

صندوق رای؛ استراتژی و نه تاکتیک



مهرداد احمدی‌شیخانی

روزنامه‌نگار

من غیر از یکبار، در همه این چهاردهه و به‌خصوص این ۵ سال اخیر، همیشه بر دو موضوع پافشاری کرده‌ام؛ صندوق رای و پرهیز از روش‌هایی که منتهی به خشونت شود و فرقی هم نمی‌کند که چه کسی خشونت را مرتکب شود چون بر این عقیده‌ام که حتی اگر فقط یک سوی ماجرا دست به خشونت برود، طرف دیگر باید همه تلاش‌اش را بکند که هیچ توجیهی برای بروز خشونت به طرف مقابل ندهد و حتماً و قطعاً باید بر پرهیز از خشونت تأکید کند. حاصل این اصرار من بر دو نکته‌ای که در بالا گفتم، برایم دو چیز بوده، یا دوستانی را به خاطر این اصرار از دست داده‌ام و یا باعث دلخوری بسیاری دیگر از خود شده‌ام و به شخصه، هیچ نفع فردی، ثمره این اصرارم نبوده و حتی در این پنج سال، با توهین و تهمت‌های عجیبی هم روبه‌رو شده‌ام. با این همه، همچنان به آن دو نظر بالا معتقدم و بر آن پافشاری می‌کنم. اما چرا؟

در زبان فارسی ضرب‌المثلی داریم که می‌گوید: «لنگه کفش پاره در بیابان غنیمت است»؛ بگذارید خاطره‌ای را نقل کنم. حدود ۵۰ سال پیش و بعد از مرگ پدرم، خانواده ما به دوره سختی رسید، تا جایی که حتی داشتن کفش برایمان آرزو بود. من و برادر کوچکترم که تقریباً هم‌جنه‌ی ما بود، هر دو یک کفش داشتیم، یک کفش کتانی بسیار ارزان قیمت. مدرسه‌رفتن مان هم اینطور بود که یکی صبح می‌رفت و یکی عصر، برای همین آنکه عصر می‌رفت، باید صبر می‌کرد تا آن دیگری از مدرسه برگردد و کفش را به این یکی بدهد و این یکی هم به سرعت به سوی مدرسه بدود. پس از شروع جنگ و آن اوایل که به حوزه اندیشه‌و هنر اسلامی آن زمان که حالا نامش تغییر کرده، رفت‌وآمد می‌کردم، این خاطره را نقل کرده بودم و بعداً شنیدم که فیلمی با همین مضمون در آنجا ساخته شده که شاید با الهام از همین خاطره من بوده است. همین آرزوی کفش اما هنوز شاید در دل من مانده باشد که هیچ‌وقت دلم نمی‌آید کفش‌های کهنه‌ام را، حتی اگر پاره شده باشند، دیند براندام، طوری که همسرم به من می‌گوید تو مگر هزارپایی که این همه کفش داری؟ هر چه هست، نگاه من به کفش، حتی اگر پاره

باشد، نگاه غنیمت نیست، بلکه نگاه به یک شیء ارزشمند است که باید حفظش کرد. انتخابات هم برای من همین معنا را دارد. من بر آن گمان نیستم که انتخابات یک ابزار است برای رسیدن به یک هدف، بلکه بر این عقیده‌ام که انتخابات، خودش هدف است، حتی اگر به وضعیتی مثل امروز دچار شده باشد. یعنی اینطور نیست که، اگر لنگه کفش پاره هم باشد، بگوئیم این اصلاً قابل پوشیدن نیست و دور بیندازیمش، چون آن‌وقت دیگر پابرهنه هستیم. به گمان من مهمترین محصول دو انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی سال ۵۷، همین موضوع انتخابات است و حتی اگر در بدترین وضعیت هم که باشد، باز هم نهایتاً حکم لنگه کفش پاره را دارد، چون بدون پاره‌ترین کفش، آنچه برایمان می‌ماند، فقط پای برهنه است. از زمان پیروزی انقلاب مشروطه تا امروز، ما در چند نوبت، به هر دلیل، صندوق رای را کنار نهاده‌ایم و البته چند باری هم به صندوق رای برگشته‌ایم،

اما وقتی که به‌طور مطلق از صندوق رای ناامید شده‌ایم، برای همیشه آن را کنار گذاشتیم و آنچه‌به‌عنوان جایگزین برگزیدیم، راه‌حل‌هایی بوده که غیر از توسل به خشونت ابزار دیگری برای آن وجود ندارد و حاصل آنکه همه (همه به‌طور مطلق) از آن آسیب دیده‌اند، چراکه شکاف‌های موجود را عمیق‌تر می‌کند و البته هیچ تضمینی هم نیست که کنار نهادن صندوق رای از طرف هر سسو که باشد، طرف مقابل را مجاب کند که نگاهش را به انتخابات تغییر دهد. اما می‌توان دید که با تعمیق این شکاف، روش‌های جایگزین، یا حتی روش جایگزین، هزینه بسیاری به بار می‌آورد و الزاماً هم اینطور نیست که پس از آن به وضعیت مطلوب برسیم. در هر صورت، نگاه تاکتیکی به صندوق رای و نه اینکه صندوق رای برایمان استراتژی باشد، این زمینه را فراهم می‌کند که به‌راحتی از آن عبور کنیم و کنارش بگذاریم و هر چقدر دفعات رد شدن از صندوق رای بیشتر باشد و اصرار ما برای کنار گذاشتن‌اش شدیدتر، به‌سوی کنار ننهادن قطعی و انتخاب روش‌های جایگزین، گام بلندتری برمی‌داریم و آن‌وقت، شاید دیگر بازگشتن امکان‌پذیر نباشد، که انقلاب ۵۷ نشان داد که چنین است. برای همین با تأکید می‌گویم که بزرگترین دستاورد دو انقلاب مشروطه و ۵۷، همین صندوق رای است و آنانی که به هر دلیل زمینه‌از دست رفتن این دستاورد را ایجاد می‌کنندو یا به درست یا غلط، انتخابات‌رای‌بی‌ثمر اعلام می‌کنند، حتی اگر با هم دشمن باشند، در یک چیز با هم متحد شده‌اند و آن هم کشودن راهی پر هزینه برای کشور است که معلوم نیست این‌بار از تاک و تاک نشان خبری بماند یا نه.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

گزارش

رهبری با انتقاد از عمل نکردن دولت به تذکرات سال گذشته ایشان مطرح کردند:

امکان رشد ۸ درصدی با پیشرفت بخش خصوصی

افزودند: «نیروی انسانی نخبه بخش خصوصی می‌تواند در این زمینه‌ها، حقیقتاً گره گشایی‌کند که این، نیاز به برنامه‌ریزی درست برای استفاده از ظرفیت فکری و عملی این بخش دارد.» آیت‌الله خامنه‌ای «احساس مسئولیت توأمان دولت و فعالان اقتصادی» را «لازمه استفاده بهینه از ظرفیت سرمایه‌های مردمی» برشمردند و گفتند: «مسئولیت دولت عموماً متوجه رفع موانع و بهبود فضای کسب‌وکار است». ایشان ابراز نارضایتی برخی تولیدکنندگان در بازدید روز دوشنبه رهبری از نمایشگاه تولیدات داخلی را «نشان‌دهنده عمل نکردن دولت به تذکراتی دانستند که سال گذشته در چنین دیداری خطاب به دولتمردان بیان کرده بودند». رهبری تأکید کردند: «مسئولان دولتی باید به جد مسئله بهبود فضای کسب‌وکار را

تذکره‌ها را جدی بگیرند. دولت باید به‌طور مشخص آغاز دوره احمدی‌نژاد برمی‌گردد. علاوه بر آن درآمد نفتی نیز به‌پشتوانه‌ای برای سردادن وعده‌ها تبدیل شده است. مسیر کشور از

راه کشورهای رقیب و همسایه که به نسبت موفق بودند، خارج شده و طی ۲۰ سال گذشته وضعیت بدتر شده است. وضعیت طوری نیست که امیدوار باشیم که به دستور دادن و تشرژن بهبود یابد.» او افزود: «مشکل ایران رشد بی‌جان اقتصادی است که عوارض آن خود را به شکل کمبود درآمد، شغل، کالا و خدمات و مشکلات خدمات دولتی، عقب ماندن و فقیرتر شدن کشور نشان می‌دهد. در حال حاضر تمرکز بر روی محرک‌های رشد چند سال گذشته مطرح است در حالی که دنیای امروز بسیار تغییر کرده است. دنیای امروز با وجود هوش مصنوعی و نوآوری‌های جدید تغییر بسیاری کرده است. به همین دلیل به سرمایه‌گذاری عظیم در حوزه تحقیق و توسعه نیازمندیم تا بتوانیم با کشورهای پیشتاز اقتصادی و تکنولوژی‌های روز همراه شویم. ما در پیش گرفتن مسیر اصولی و درست، بهادان به کارشناسان و متخصصان می‌توان اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب کرد. اما با التهايات و آشفتگی‌های فکری افرادی که در رأس کار قرار می‌گیرند.» خیرخواهان تأکید کرد: «نمی‌توانیم از تخصیص منابع به برخی شرکت‌های خاص که می‌توانیم آن‌ها را عزیز کرده‌های اقتصادی بخوانیم، بگذریم. باید فضایی بدون تبعیض بر اقتصاد حاکم شود تا افراد یا مجموعه‌هایی که فکر و ایده بهتری دارند، به موفقیت برسند. اما در دولتی که به صورت گزینشی فقط به نهادهای مربوطه به خودش توجه می‌کند یا احساس شود عمده فعالیت‌های سوده و مناسب توسط برخی نهادهای خاص اقتصادی قبضه شده، فاتحه اقتصاد خوانده است. علاوه بر شرایطی که بخش خصوصی نمی‌تواند با این نهادهای رقابت کند، تحریم‌ها نیز هزینه‌های فعالیت اقتصادی را به نسبت کشورهای دیگر افزایش داده است. در مجموع با عملکرد نامناسب در حوزه اقتصادی طی سال‌های گذشته، نقطه امید برای بخش خصوص باقی نمانده است. آن‌هایی که ماندگار شده‌اند نیز پشیمان هستند.» این کارشناس اقتصادی با اشاره به اینکه موضوع مهم دیگر احترام

موانع پیش روی تولید بررسی شد

اقتصاد گل آلود

گروه خبر: روز گذشته مقام رهبری با فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان دیدار داشتند و کدهای مهم پیدا و پنهانی در مونیات مقام رهبری نهفته بود که هر کد می‌تواند چرخ اقتصاد کشور را به حرکت بیشتری وادار. برای اولین بار بود که از دستگاه قضایی یا قوای مسلح در برخی موانع بهبود فضای کسب و کار سخن گفتند و ایشان به نوعی از نارضایتی از عملکرد دولت سیزدهم را بیان کردند و ابراز نارضایتی برخی تولیدکنندگان در بازدید دیروز رهبری از نمایشگاه را نشان‌دهنده عمل نکردن دولت به تذکراتی دانستند که سال گذشته در چنین دیداری خطاب به دولتمردان بیان کرده بودند. از سوی دیگر ایشان سران سه‌قوه را مکلف به تشکیل جلسه جهت رفع موانع کسب و کار جلسه‌ای کرده و اعلام کردند که اگر سران نتوانند این موانع را رفع کنند خود به میدان آمده و آن را رفع خواهند کرد.

▼ **تخریب اقتصاد از ۲۰ سال پیش**

جعفر خیرخواهان، کارشناس امور اقتصادی درباره موانع مورد اشاره در سخنان رهبری و انتظارات فعالان اقتصادی از دولت، به خبرنگار هم‌میهن گفت: «کشور شرایط خوبی ندارد و شاهد این هستیم که بخش‌های زیادی از مردم به وضعیت اقتصادی معترض هستند. از سوی دیگر به صورت مداوم وعده‌هایی برای بهبود شرایط داده می‌شود، اما اتفاق خاصی نمی‌افتد که حداقل بگوئیم تغییری در مسیر بهبود افتاده است. گذشته‌شدن سنگ‌بنای بی‌توجهی به نظرات کارشناسان اقتصادی به ۱۰ تا ۲۰ سال



آیا آمریکا به ایران حمله می‌کند؟



اکبر مختاری

کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

اگر بخواهیم سه حادثه خطرناک در دوران جنگ سرد را نام ببریم، یکی از آنها بحران موشکی کوبا میان آمریکای کِئیدی و شوروی خروشچف بود. در سال ۱۹۶۲ خروشچف تصمیم گرفت سکوهای پرتاب موشک‌های میان‌برد را به کوبا منتقل سازد تا بتواند کوبا را در قبال حملات آمریکا حفظ کند. این کار شوروی با واکنش قاطع جان. اف. کندی روبه‌رو شد تا جایی که جهان را تا لبه پرتگاه جنگ هسته‌ای پیش برد. بحران موشکی کوبا سرانجام با پذیرفتن خروشچف در جمع‌آوری سکوهای پرتاب موشک از کوبا، مانع جنگ بزرگ این دو ابرقدرت هسته‌ای شد؛ اما غفلتی هر چند کوچک می‌توانست نظریه بازدارندگی در روابط بین‌الملل را در بزنگاهی خاص با فروپاشی روبه‌رو کند. نقل است که به هنگام بحران، خروشچف گفته است که آیزنهاور مرد جنگ بود و مخاطرات جنگ را می‌شناخت؛ اما کندی اینگونه نیست و سرانجام شوروی با پذیرش شکست این راهبر، از آن عقب‌نشست.

تاریخ روابط بین‌الملل به‌ما آموخته است که تنش‌های کم‌شدت گاهی ممکن است تبدیل به بحرانی بزرگ شوند. کشته شدن سه نظامی آمریکایی در مرز اردن و سوریه طی روزهای اخیر سبب‌ساز چالش جدی میان مقامات آمریکا در برابر نیروهای محور مقاومت در منطقه به‌خصوص در عراق و سوریه شده است.

آمریکا به‌عنوان ابرقدرتی پنج‌بعدی به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند در برابر کشته شدن نظامیانش در منطقه خاورمیانه و هر نقطه‌ای از جهان ساکت‌بماند؛ چراکه عدم‌واکنش، سبب تضعیف بازدارندگی نظامی آن شده و به مرور سبب می‌شود که دیگر دولت‌ها نیز دیگر تهدیدات آمریکا را جدی تلقی نکنند. کشته شدن سه سرباز آمریکایی نهنتها از زمان جنگ هفتم اکتبر اسرائیل و غزه بلکه از زمان شروع دوران ریاست جمهوری بایدن تاکنون بی‌سابقه است.

اگر روزی جیک سالیمان، مشاور امنیت ملی جو بایدن،

۱۰ روز قبل از هفتم اکتبر در مجله فارین‌افرز از وجود ثبات در

تحلیل

انتخابات

ارزیابی سردبیر «هم‌میهن» از احتمال تحقق پیشنهاد حسن روحانی

دو شرط عملی شدن «رای اعتراضی» فراهم نیست

تدارک دیدند که با حمایت آقایان خاتمی و هاشمی در تهران و اغلب کلانشهرها

به پیروزی رسیدند. وی با بیان اینکه «مسئله اصلی در آستانه انتخابات مجلس دوازدهم این است که میل به مشارکت در میان اکثریت جامعه وجود ندارد»، افزود: «امروز حتی اگر چهره‌های شناخته‌شده اصلاحات هم کاندیدا شده بودند و تأییدصلاحیت هم شده بودند؛ باز هم احتمال اینکه مردم پای صندوق رای بیایند، بسیار کم بود. بنابراین اولین شرط عملی کردن ایده «رای اعتراضی» که برانگیختگی جامعه است، در شرایط کنونی تقریباً وجود ندارد.»

▼ **فقدان سازماندهی گسترده سیاسی**

محمدجواد روح درباره عامل دومی که برای تحقق ایده رای اعتراضی ضرورت دارد، چنین گفت: «عامل دوم، «سازماندهی گسترده» است. اینکه شما در تهران بنشینید و صرفاً به میلیون‌ها رای دهنده بگویید به هر کسی می‌خواهید رای بدهید و فقط به این تندروهای رای ندهید، نمی‌توانید ایده «رای اعتراضی» را محقق کنید. بلکه شما باید سازمان و تشکیلاتی داشته باشید که دست‌کم از میان افراد تأییدصلاحیت‌شده تعدادی را به‌عنوان مخالفان تندروها شناسایی و به رای دهندگان معرفی کند. اما در شرایط فعلی، این سازماندهی در سطح نیروهای سیاسی دیده نمی‌شود.» وی با مقایسه فضای انتخابات مجلس دوازدهم با دوره دهم گفت: «برخلاف سال ۱۳۹۴، اکنون بخش زیادی از خود نیروهای اصلاح‌طلب هم دیگر انگیزه کافی برای فعالیت جدی سیاسی و انتخاباتی ندارند؛ چراکه اگر انگیزه داشتند، حداقل ثبت‌نام می‌کردند. بعضی می‌گویند دلیل ثبت‌نام نکردن اصلاح‌طلبان در این دوره، ماجرای «پیش‌ثبت‌نام» بود؛ اما من فکر می‌کنم دلیل اصلی، همین فضای سرد سیاسی بود و اصلاح‌طلبان هم که پیش‌بینی می‌کردند مردم رای نخواهند داد؛ پیشاپیش میدان را خالی کردند و راه را برای پیروزی بی‌درسر تندروها باز گذاشتند.» سردبیر روزنامه هم‌میهن بر این اساس نتیجه‌گیری کرد: «هیچ‌یک از دو شرط تحقق ایده «رای اعتراضی»، یعنی «برانگیختگی اجتماعی» و